



محمد فنائی اشکوری
دانش آموخته حوزه علمیه قم،
دارای دکترای فلسفه غرب از دانشگاه مک گیل کانادا و
دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است.

تأملاتی در نظریه «علم دینی» آیت الله جوادی آملی*

محمد فنائی اشکوری

قوانین فقهی و حقوقی است که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است. البته در این بحث، دین اسلام مورد نظر است و بررسی نسبت این دین با عقل دنبال می شود. بنابراین، مراد این نیست که هر دینی با عقل چنین نسبتی دارد؛ بسیاری از ادیان باطل اند و با عقل ناسازگارند. خدا خالق دین می باشد و دین دار کسی است که به آموزه های دینی مثل «خدا هست» ایمان دارد. حقیقت خارجی خدا و ایمان دین دار به آن، هر دو غیر از دین و خارج از دین هستند. به عبارت دیگر، مراد از دین گزاره های دینی است. «دین مخلوق اراده و علم ازلی خداوند است.» مفهوم کلیدی دیگر در این بحث «عقل» است. منظور از عقل معنای عام آن است که همه مراتب چهارگانه را شامل می شود: عقل تجربی (که محصول علوم طبیعی و انسانی است)، عقل نیمه تجربی (عقل ریاضی)، عقل تجربی (عقل منطقی و فلسفی) و عقل ناب (عقلی که عهده دار عرفان نظری است). مراد از معرفت عقلی در این بحث، درجه ای از معرفت است که یقینی یا دست کم اطمینان بخش می باشد، نه آنچه در حدّ وهم و گمان است.

دو واژه مهم دیگر در این بحث «وحي» و «نقل» هستند. وحي معرفتی است که خدا به پیامبر و حجتش القا می کند. بنابراین، الفاظ و معانی قرآن عین وحي الهی شمرده می شوند و معصوم عین وحي را بدون خطا می فهمد: «محتوا و مضمون وحيانی قرآن فقط در دسترس معصومان است.» اما غیر معصوم هر چند به الفاظ وحي دسترسی دارد، ولی فهم او ممکن است در همه موارد عین محتوا و مضمون وحي نباشد و سبب اختلاف فهم دینی عالمان نیز همین است. همچنین، «مراد از نقل ادراک و فهم بشر از وحي است، نه خود وحي، چون خود وحي فقط در دسترس انسان های معصوم مانند انبیاست و آنچه در دسترس بشر عادی است، فهم و تفسیر وحي است.» دو پیش فرض این بحث را «حقانیت دین اسلام» و «حجّیت عقل در ادراک برخی از حقایق» تشکیل می دهند.

نسبت عقل و نقل و وحي

از گذشته های دور تا به امروز، همواره این سؤال مطرح بوده است که: آیا عقل با دین یا وحي سازگار است یا ناسازگار؟ به همین ترتیب، وقتی علوم جدید روی کار آمدند، این پرسش مطرح گردید که: آیا علم با دین سازگار است یا ناسازگار؟ در قالب پاسخ گویی به این پرسش ها، نظریات مختلفی داده شده که همچنان موضوع مناقشه ها و جدل های بسیاری است.

از نظر استاد جوادی، طرح پرسش های یادشده به این شکل نادرست است؛ و با به کارگیری این شیوه از طرح بحث، انتظار حل آن ناهم جاست. از نگاه ایشان اساساً عقل در سطح وحي نیست؛ از این رو، نمی توان از نسبت این دو بحث کرد. آنچه در سطح عقل است نقل می باشد. به عبارت دیگر، عقل همتای وحي نیست، بلکه همتای نقل است؛ و علوم عقلی هم سطح علوم نقلی هستند، نه هم سطح وحي. نقل فهم و تفسیر ما از وحي است، نه خود «وحي» که غیر معصوم به آن دسترسی ندارد. وحي مصون از خطاست اما نقل همچون عقل، امکان خطا دارد: «وحي سلطان علوم است و صاحبان علوم عقلی و نقلی (حکیمان و فقیهان) را به حریم آن راهی نیست. علوم عقلی و نقلی هر دو همراه با اشتباهات و خطاهایی اند، حال آن که در ساحت وحي الهی خطا راه ندارد.» ارزش هیچ علم و کشفی به اندازه وحي نیست. از این رو،

تاریخ اندیشه بشر گواهی می دهد که پرسش کهن از نسبت عقل و ایمان یا علم و دین، همواره به دنبال پاسخ هایی تازه بوده است. کوشش برای فهم این نسبت ها، به ویژه برای دین دارانی که در عصر شکوفایی علم می زیند و در چنین عصری مدعی ساماندهی زندگی فردی و جمعی انسان با بهره گیری هم زمان از علم و دین اند، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. حکیم و مفسر معاصر، آیت الله جوادی آملی، از عالمانی است که با عنایت به این ضرورت، به طرح این مسأله اهتمام ورزیده و تأملات خویش را در این باب عرضه نموده است. از نگاه ایشان، عقل جزئی از دین است، نه در مقابل آن. بنابراین، فرض ناسازگاری آن ها نامعقول است. آنچه ممکن است در آغاز روی دهد تعارض عقل و نقل است که راه حل های آن از دیر باز در علوم و معارف اسلامی مطرح بوده است. نوشتار حاضر کوششی است برای فهم، تحلیل و نقد نظریه آیت الله جوادی آملی در این باره.

مقدمه

یکی از مباحث مهمی که از دیر باز در فلسفه و الهیات مطرح بوده و امروزه نیز به طور جدی محور بسیاری از گفت وگوها را تشکیل می دهد، نسبت عقل و ایمان و رابطه علم و دین است. برخی بر ناسازگاری این عناصر با یکدیگر تأکید می کنند و جمعی نیز آن ها را هم سو و هماهنگ می دانند. سازگاری یا ناسازگاری عقل و محصولات آن -مانند علم- با دین، تأثیر زیادی بر نحوه عقل ورزی و علم گرایی از یک سو و دین ورزی و ایمان گرایی از سوی دیگر خواهد داشت. این بحث علاوه بر آثار و پیامدهای نظری و اعتقادی بنیادین، تأثیری چشمگیر بر زندگی و رفتار فردی و جمعی دارد. طرح این بحث برای پیروان دینی همچون اسلام که مدعی ساماندهی زندگی این جهانی نیز شمرده می شود، ضرورت بیشتری دارد. همچنین اگر توجه کنیم که یکی از اصول مستتر در مبانی نظری نظام جمهوری اسلامی سازگاری عقل با ایمان و علم با دین است، طرح این بحث در این برهه تاریخی اهمیتی دوچندان پیدا می کند. شاید به همین دلایل بوده که این بحث یکی از دغدغه های جدی آیت الله جوادی آملی را در سالیان اخیر تشکیل داده است. ایشان علاوه بر این که مبحث یادشده را در مناسبت های مختلف طرح کرده اند، کتاب مستقلی نیز در این زمینه با عنوان «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» منتشر نموده اند.

نظریه ای که استاد جوادی آملی در این بحث طرح می کند، برگرفته از معرفت شناسی حکمت متعالیه است که در آن، بر سازگاری و جمع راه های مختلف معرفت تأکید می شود. بر پایه این معرفت شناسی، راه های مختلفی برای وصول به حقیقت هست که: اولاً همه معتبرند، ثانیاً با هم سازگارند و ثالثاً یکدیگرند؛ از این رو، برای تحصیل معرفت، باید کوشید از همه آن راه ها کمک گرفت و به یکی بسنده نمود. بر این اساس، عقل و نقل دو راه برای تحصیل معرفت اند که اصولاً با یکدیگر هماهنگ هستند و جمع آن ها در شناخت دین ضروری است. بر این مبنا، ایشان با تبیین مناسبات عقل و نقل می کوشد تا به نزاع سنتی بین عقل و وحي و علم و دین پایان دهد و بر پایه آن، برخی دیگر از مناقشات نظری جاری را حل نماید.

آشنایی با مفاهیم

نخست باید دانست که مراد از «دین» چیست: «دین مجموعه ای از عقاید، اخلاق،